ایران
دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ ۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۸
سال سی و دوم شماره ۹۱۰۵
Monday 24 August 2026 Vol 9105

مرور مهم‌ترین تحولات دولت و دغدغه‌های رئیس جمهوری
در گفت‌وگو با محمد جعفر قائم پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور

پزشکیان استراتژیک عمل می کند

عکس: حسین تقی‌زاده / ایران

• گفت‌وگو •

ابراهیم بهشتی - رضوانه رضایی پور/ دشواری پیمودن مسیر پیش رو از همان روزهای ابتدایی آغاز به کار دولت چهاردهم معلوم بود. آنان که ورای بحث‌های هیجانی، تحولات جامعه را بر اساس واقعیات، امکانات و تهدیدات ارزیابی می‌کردند، می‌دانستند که مسعود پزشکیان بر خلاف برخی ادعاها مبنی بر اینکه او «اسب زین کرده تحویل گرفته» هم وارث مشکلات قابل توجه داخلی اعم از وضعیت نامناسب اقتصادی، اعتماد عمومی آسیب‌دیده و... است و هم به لحاظ خارجی با توجه به حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید چشم‌انداز روشنی پیش رو نخواهد داشت. البته که این ارزیابی‌ها چندان هم بیراه نبود چه اسرائیل با اتکا به همین مؤلفه‌های داخلی و خارجی، در همان روز تحلیف رئیس‌جمهوری، با ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران اعلام جنگ داد. در ادامه کار هم دو جنگ به کشور و دولت تحمیل شد. با همه این دشواری‌ها و البته تبعات بخصوص اقتصادی که برای مردم در پی داشته، دولت چهاردهم در پایان روزهای کاری سال دوم و آغاز سومین سال کاری خود، همچنان سرپا ایستاده و اتفاقاً به اذعان بسیاری از کارشناسان با سلایق متفاوت سیاسی، کارنامه قابل قبولی را نیز از خود به جای گذاشته است. در این دو سال سخت بر مسعود پزشکیان چه گذشت؟ رئیس جمهوری چگونه دولت و کشور را در میانه این همه التهابات حفظ کرده است؟ او با اتکا به چه سرمایه و پشتوانه‌ای پای به این میدان گذاشت؟ برای پاسخ به این قبیل سؤالات شاید گزینه بهتری از محمد جعفر قائم‌پناه نبود. او که سابقه دوستی و همکاری دیرینه با پزشکیان دارد، نزدیکی با پزشکیان را در دولت چهاردهم هم حفظ کرد؛ آنجا که مسئولیت معاونت اجرایی رئیس جمهوری و سرپرستی نهاد ریاست جمهوری را عهده‌دار شد. او در این گفت‌وگو روایت‌هایی از روزهای قبل از انتخابات ریاست جمهوری، چینش کابینه، همنشینی با پزشکیان و مقام مصری در شب ترور هنیه، هماهنگی‌های رئیس جمهوری با رهبری و مدیریت جنگ و تفاهمنامه دارد. به گفته قائم‌پناه، پزشکیان از ابتدا تلاش داشت جنگ گسترش نیابد و حالا هم همه توان خود را می‌گذارد تا تفاهمنامه امضا شده میان ایران و آمریکا به مرحله اجرایی برسد، چراکه این خواست اکثریت مردم ایران است.

دولت آقای پزشکیان در شرایطی آغاز به کار کرد که کشور هم به لحاظ داخلی و هم خارجی با بحران‌های مشخصی همراه بود. در حوزه داخلی، کاهش سرمایه اجتماعی را داشتیم که خود را در انتخابات نشان داده بود. شاخص‌های اقتصادی در وضعیت مطلوب و حتی مناسبی نبود. بماند که برخی‌ها روایت دیگری داشتند و معتقد بودند که دولت یک اسب زین شده را تحویل گرفته است. شرایط سختی بود و ما که بیرون گود بودیم پیش‌بینی می‌کردیم دولت کار سختی را پیش رو خواهد داشت. در روزهای اول و جلسات ابتدایی خود چه قبل از تشکیل دولت و چه در ابتدای شروع کار دولت، ارزیابی شما از چشم‌اندازی که با آن مواجه بودید چه بود؟ مشخصاً روی چه نقاط عطف و مؤلفه‌هایی حساب کرده بودید که بتوانید این مسیر را به سلامت طی کنید؟

خداقوت می‌گویم به شما و همه همکاران عزیزتان و همین طور به همه همکارانم در عرصه دولت از کارکنان دولت در روستاها تا شهرهای بزرگ. امیدوارم بتوانیم همچنان خادم خوبی برای مردم ایران در این شرایط پرچالش باشیم. قبل از اینکه آقای دکتر پزشکیان انتخاب شوند، شرایط خاص اجتماعی - سیاسی بر کشور حاکم بود. عدم مشارکت حدود ۵۰ درصدی مردم حاکی از آن بود که در عرصه داخلی نتوانسته‌ایم مردم را در عرصه تعیین سرنوشت خود مشارکت دهیم و این یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما بود. نمی‌دانم اگر آقای دکتر پزشکیان نمی‌آمدند، چه اتفاقی در وضعیت سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی می‌افتاد. با این پیش زمینه که وارد شدیم، روزهای تعیین کابینه با چالش‌های جدی مواجه بود. چراکه آقای پزشکیان می‌خواست گفتمان وفاق را در کابینه شکل دهد و در این مسیر با همه سختی‌هایی که داشت، تا حدودی موفق شدیم. می‌توانم بگویم از همه طیف‌های مختلف، لیست‌های مختلفی برای آقای دکتر پزشکیان فرستاد می‌شد و ایشان هم برای بررسی به شورای راهبردی که بنده عضو آن بودم می‌فرستاد. ماحصل آن، کابینه‌ای شد که بخشی از آن توسط شورای راهبردی پیشنهاد شد و بخشی دیگر هم به دلایل مختلف تغییراتی داده شد. یکی از چالش‌های ما گرفتن رأی اعتماد از مجلس بود. مجلس با تفکر آقای پزشکیان همسو نبود و گروهی اقلیت و شاید پر صدا می‌توانستند برای دولت چالش برانگیز باشند اما با حمایت رهبری به سلامت توانستیم رأی اعتماد کابینه را بگیریم. در حالی که دکتر پزشکیان در ساعت ۶-۵ عصر تنفیذ شدند و سوگند یاد کردند، همان شب اسماعیل هنیه در تهران ترور شد و به شهادت رسید. قبل از حادثه همان شب، اتفاقاً با آقای رئیس جمهوری سر یک میز نشسته بودیم. بنده و سفیر مصر بودیم و روبه‌روی ما آقای هنیه نشسته بود و درباره غزه صحبت شد و ساعاتی بعد ایشان به شهادت رسید.

در واقع این یک اعلام جنگ از سوی اسرائیل به دولت آقای پزشکیان بود.

عملاً اعلام جنگ بود. رژیم صهیونیستی قبلاً حملاتی به برخی تأسیسات ما کرده بود ولی در اینجا به وضوح مسئولیت آن را پذیرفت. این کار یک ترور ناجوانمردانه بود که در خاک ایران صورت گرفت. ایران می‌توانست همان زمان پاسخ دهد، ولی به دلایلی این کار را نکرد. یکی از کارهای مهمی که آقای دکتر پزشکیان در این مقطع حساس در آن نقش آفرینی کرد، هماهنگی با مقامات نظامی بود که انجام عملیات نظامی برای پاسخ به ترور شهید هنیه را به وقت مقتضی موکول کردند. یکی دیگر از چالش‌های مهم در آن مقطع، تحریم بود. آمریکا رجزخوانی می‌کرد و گزینه نظامی هم به قول خودشان روی میز بود. در عرصه بین‌الملل با این چالش جدی مواجه بودیم و در عرصه داخلی نیز مشکلات مختلف دیگری وجود داشت. در آن زمان دولت با بدهی‌های هنگفت، از جمله بدهی گندم‌کاران مواجه بود که امسال هم تا حدودی درگیرش هستیم. همینطور بدهی مربوط به بازنشستگان آموزش و پرورش و کادر درمان که در خیابان تجمع می‌کردند؛ این موضوعات چالش برانگیز بود.

پس اسب زین کرده‌ای تحویل نگرفته بودید؟

توضیح خواهم داد. درارتباط با قشر مهم آموزش و پرورش و بهداشت و درمان با چالش مواجه بودیم. ماه‌ها بود که پرستاران ما کارانه خود را نگرفته بودند. اضافه کارشان ساعتی ۲۰ هزار تومان بود. یعنی اگر یک پرستار ۱۰ساعت کار می‌کرد ۲۰۰ هزار تومان به او اضافه کار می‌دادیم. شرمنده روی این عزیزان بودیم. چون خودمان پزشک بودیم درک می‌کردیم که شب را تا صبح بر بالین بیمار بودن چه معنایی دارد. موضوع بعدی ما ناترازی سوخت بود. الان تقریباً قریب به سه میلیارد و دویست میلیون لیتر ذخیره گازوئیل برای فصل زمستان داریم. در حالی که در ابتدای مهرماه سال گذشته، این عدد کمتر از ۸۰۰ میلیون لیتر بود. همین دلیل باعث شد خاموشی‌های مکرر داشته باشیم و برخی موارد، نگرانی ما از سرمای سخت زمستان بود. یک مقدار هم ناترازی در بخش‌های بانکی داشتیم و ناترازتر از همه اینها آمدن ترامپ بود؛ ما با ناترازترین رئیس جمهوری آمریکا مواجه شدیم. این ناترازی در همه عرصه‌های داخلی و خارجی ما اثرگذار بود و مسائل اجتماعی دیگر که ورود پیدا نمی‌کنم. آقای دکتر پزشکیان سر این موضوعات چالش برانگیز خیلی مدیریت کردند. اولاً توانستند با همه تفاوت‌های فکری که در مجلس وجود داشت، با رایزنی و صحبت‌هایی که با نمایندگان انجام دادند رأی کامل کابینه را بگیرند و از همین جا هماهنگی و همدلی با دیگر قوا و بخصوص مجلس را دنبال کردند. تا الان، بهترین و بیشترین اجماع و وفاق را در میان سران قوا داشتیم. به گفته بسیاری از ناظران سیاسی، در طول چند دهه گذشته، این میزان همدلی و وفاق در بین سران قوا نبوده است و این وفاق را مدیون تفکر آقای دکتر پزشکیان هستیم. در زمینه سوخت، شخصاً ورود کردند که چگونه سوخت را تأمین کنیم. موضوع پرداخت گندم‌کاران و حقوق پرسنل بهداشت و درمان را به روز دنبال می‌کردند. بنابراین با این چالش‌ها، دولت را تحویل گرفتیم.

شما به آقای دکتر پزشکیان نزدیک هستید. این وصفی که کردید، هر کسی در سطح رئیس جمهوری که با چنین اتفاقاتی مواجه است، می‌داند کار سختی در پیش دارد و شما و همه همکارانتان مسیر هموواری را پیش رو نمی‌دیدید. مواجهه رئیس جمهوری در برابر این حجم از مشکلات و ناترازی‌ها چه بود؟

شاید یکی دو ماه قبل از انتخابات و وقتی آقای رئیسی شهید شدند، باهم دوستانه بحث می‌کردیم و مخاطرات پیش رو را دنبال می‌کردیم. انگیزه ایشان این بود که در حد اختیاراتشان برای ایران و جمهوری اسلامی باید همه هم و غم خود را به کار بگیریم تا شاید بتوانیم دردی از درد مردم را کم کنیم. با این نیت آمدند. نه اینکه از مشکلات پیش رو خبر نداشته باشند. آقای دکتر پزشکیان از سال ۱۳۷۳ در کار مدیریت کشور بوده است. رئیس دانشگاه، معاون وزیر، وزیر و چندین دوره نماینده مجلس و نایب رئیس مجلس بوده. ساختار قدرت را می‌شناخت و مشکلات را هم کامل می‌دانست. البته با رفاقت ۴۵ ساله‌ای که داریم می‌دانم که یکی از ویژگی‌های دکتر پزشکیان این است که استراتژیک عمل می‌کند و خیلی صبور است. این صبر خیلی او را کمک کرده است. دوماً اهل وفاق است.

می‌توان به نوعی گفت که این رویکرد وفاق به کمک دولت هم آمده است؟ تعبیر عامیانه این وفاق این بود که آقای دکتر پزشکیان سهم و امتیازاتی به گروه‌های رقیب را ناظر بر استراتژی بلند مدت خود دادند؟ آیا در مقابل مواردی هم هست که رویکرد وفاق، امتیاز مشخصی برای دولت در مسیر پیش بردن برنامه‌های خود ایجاد کرده باشد؟

اینکه در رویکرد وفاق بده بستان سیاسی شده باشد، درست نیست. دکتر پزشکیان هرچند ممکن است به نحله فکری اصلاح‌طلب‌ها و گاهی اصولگراها متصل باشند، ولی وابستگی سیاسی به جریان خاصی نداشتند. به قول خودش می‌گفت اصلاح‌طلبی هستم که بر اصول عدالت و انصاف پایبندم و این را دنبال می‌کنم. واقعیت این است که بده بستان سیاسی انجام نداد. ولی برای اینکه بتوانند درون دولت انسجام ایجاد کند، سعی کرد از جریان‌های مختلف فکری در دولت باشند که وفاق را شکل دهند. این به نفع مردم شد. اگر مجلس در خیلی از مواقع همراهی نمی‌کرد، وزرای دولت رأی نمی‌آوردند و باید سرپرست می‌گذاشتیم، این باعث می‌شد که اداره امور کشور با توجه به چالش‌هایی که گفتیم سخت‌تر می‌شد. از طرفی تهدید دشمن را احساس می‌کردیم. در ماه‌های اول تمام تلاشمان این بود که ذخایر استراتژیک خود را مدیریت کنیم. چون احساس می‌کردیم ممکن است جنگی رخ دهد و تحریم‌ها شدیدتر شود. در طول همین سال هم اسنپ بک رخ داد و تشدید تحریم‌ها را به دنبال داشت. آقای دکتر پزشکیان رهبری همه اینها را در دولت به عهده داشتند.
بنابراین دولت هم از وفاق خیلی بهره برد. بخشی از آن را تاریخ بعداً روایت می‌کند. اصلاً باعث انشقاق در کشور نشدیم. این می‌توانست رخ دهد، اگر تنازعات سیاسی را تشدید و دعواها را ادامه می‌دادیم. شاید این انسجام ملی که در جنگ ۱۲ روزه خود را نشان داد، نتیجه انسجام سیاسی و وحدت آفرین وفاقی بود که آقای پزشکیان از قبل دنبال آن بود. حتی افرادی که در خارج از کشور بودند، کسانی که سال‌ها دور از وطن بودند و نگاه انتقادی به جمهوری اسلامی داشتند، در جنگ ۱۲ روزه موضعشان برگشت و در این زمان پشت جمهوری اسلامی در مقابل دشمن درآمدند. اینها نتیجه همان تفاهم و وفاقی است که آقای دکتر پزشکیان با جریان‌های مختلف دارد. ایشان با خیلی از منتقدین خود و کسانی که نقد شدید به او دارند ساعت‌ها گفت‌وگو می‌کند. بخشی را در مطبوعات می‌توانید ببینید. بخشی دیگر معمولاً مکتوم می‌ماند و شاید کسانی که خاطره‌نویسی می‌کنند این را بگویند که دکتر پزشکیان چقدر با جریان‌های مختلف سیاسی در دو طیف مختلف گفت‌وگو می‌کرده است. طیف‌هایی که کاملاً باهم در تضاد بوده‌اند، دکتر پزشکیان گوش شنیدن صحبت همه آنها را داشت. برای همین هم هروقت سخنرانی می‌کنند، می‌گویند هرکس برنامه‌ای دارد برای کمک بیاید. نه اینکه به عنوان یک شعار تبلیغاتی بگوید. بلکه یک باور اعتقادی دارد که ایران را با همه ایرانیان می‌توانیم بسازیم. ایران را یک گروه و دسته و حزب و جریان سیاسی نمی‌سازد. ایران را همه ایرانیان می‌سازند. این باور ما و باور آقای دکتر پزشکیان است. لذا وفاق اینجا معنا پیدا می‌کند. در چارچوب منافع ملی و جمهوری اسلامی، هرکسی تلاشی دارد، باید اجازه دهیم که این تلاش و استعداد و توانایی به منصه ظهور برسد. باور ایشان بر این است که این برای کشور می‌تواند سرمایه خوبی باشد.

> تمام تلاش آقای پزشکیان این بود که جنگ گسترش پیدا نکند. اینکه جنگ را محدود کنیم و تا جایی که می‌توانیم، با اقتدار از تمامیت ارضی و ارزش‌های دینی و ملی خود دفاع کنیم، ولی اگر راهی وجود داشته باشد که تخریب و آسیب‌ها زیاد نشود و تعداد شهدا کمتر باشد، بهتر است. اگر جنگ رخ نمی‌داد، عزیزی مانند رهبر انقلاب و همینطور سردارانی که عصاره تجربه جنگ هشت ساله و مقاومت چندین ساله ما بودند شهید نمی‌شدند

آقای رئیس جمهوری فردی صلح‌طلب هستند. خیلی‌ها در دور دوم انتخابات به درست یا غلط می‌گفتند به آقای پزشکیان رأی دهیم تا جنگ نشود و تحریم‌ها برداشته شود. ولی جنگ تحمیل شد و گریزی از دفاع نبود. به مرحله جنگ که رسیدیم، این شرایط چه تغییراتی در اولویت‌های دولت ایجاد کرد؟ مشخصاً دغدغه آقای رئیس جمهوری در دوران جنگ چه بود؟

تا جایی که بنده اطلاع دارم، تمام تلاش آقای پزشکیان این بود که جنگ گسترش پیدا نکند. ایشان در محدود کردن میدان جنگ خیلی تلاش کرد. اینکه جنگ را محدود کنیم و تا جایی که می‌توانیم، با اقتدار از تمامیت ارضی و ارزش‌های دینی و ملی خود دفاع کنیم، ولی اگر راهی وجود داشته باشد که تخریب و آسیب‌ها زیاد نشود و تعداد شهدا کمتر باشد، بهتر است. اگر جنگ رخ نمی‌داد، عزیزی مانند رهبر انقلاب و همینطور سردارانی که عصاره تجربه جنگ هشت ساله و مقاومت چندین ساله ما بودند شهید نمی‌شدند. البته این به ناترازی‌های رئیس جمهوری آمریکا بر می‌گشت.
البته حمله اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه را پیش‌بینی می‌کردیم. شب پنجشنبه ۲۳ خرداد بود که سفر استانی به ایلام داشتیم. آقای پزشکیان می‌خواستند از ایلام به تبریز بروند. دوستان محافظ اصرار داشتند که من ایشان را متقاعد کنم به تبریز نروند. آماده‌باش اعلام شده بود. آقای دکتر پزشکیان می‌خواست به سراغ کریدور چشم ثریا برود و از نقطه صفر مرزی ایران و ترکیه دیدن کند. از ایشان خواهش کردم که با توجه به شرایط آماده باش، شاید این سفر مخاطره‌آمیز باشد. گفت فعلاً به تبریز می‌رویم و اگر اوضاع مناسب نبود به مرز نمی‌روم. ساعت ۶ صبح بود که نگران شدم و به ایشان زنگ زدم. گفتند دارم برمی‌گردم. دغدغه ما در آن روزها این بود که چه کاری کنیم تا تاب‌آوری مردم را بالا ببریم. این تاب‌آوری از قبل برای غذا و تغذیه و مواد غذایی مردم برنامه‌ریزی شده بود و واقعاً هم اتفاق افتاد.
اگر قبل از جنگ ۱۲ روزه آن سرمایه اجتماعی خدشه دار می‌شد، معلوم نبود بتوانیم بر شرایط فایق بیاییم. عمده هدف آمریکا و اسرائیل از جنگ ۱۲ روزه این بود که از داخل اتفاقی بیفتد. باتوجه به عدم مشارکت ۵۰ درصدی و تورم و نارضایتی‌های اجتماعی و فشارهایی که از قبل بود، پیش‌بینی می‌کردند مردم با آنها همراهی خواهند کرد. اما این گونه نشد و در نظرسنجی‌های انجام شده، ۸۰ درصد استان‌ها از خدمت‌رسانی دولت به مردم در جنگ ۱۲ روزه راضی بودند. به همین خاطر آمریکا دوباره طمع کرد و قضیه ۱۸ و ۱۹ دی ماه را بهانه کرد.
آمریکا به دنبال این بود که تحریک و سازماندهی کند تا از داخل اتفاقی بیفتد و منجر به سقوط جمهوری اسلامی شود. نمی‌خواهم بگویم همه کسانی که به خیابان آمدند عامل دشمن بودند. اما عوامل دشمن از مردمی که به دلایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ناراضی بودند، سوءاستفاده کردند. به همین دلیل با هماهنگی شعام و رهبر شهید، از حدود ۳۰۰۰ نفری که متأسفانه کشته شدند، حدود ۲۷۰۰ نفر رسماً شهید اعلام شدند. علیرغم اینکه صحنه‌های خوبی نبود و زخمی بر بدنه سیاسی و اجتماعی کشور وارد کرد که آثارش هنوز هم هست، ولی شاید اقدامی که شورای عالی امنیت ملی و بخصوص شخص آقای دکتر پزشکیان برای این موضوع کردند و گفت‌وگویی که با مقام معظم رهبری داشتند و ایشان هم با نگاه پدرانه‌ای که داشتند، آنها را شهید اعلام کردند، اقدام بسیار بجایی بود. نه اینکه جمعیتی که به خیابان آمده بودند را ضد جمهوری اسلامی بدانیم. بخش اندکی از آنها ضد جمهوری و عوامل سرویس‌های جاسوسی بودند. ولی اکثریت آنها که به خیابان آمده بودند، به عنوان اعتراض آمده بودند. غافل از اینکه سازماندهی و جهت‌دهی این اعتراضات، توسط دشمنان انجام شد. حمله به ادارات دولتی و فرمانداری‌ها و مساجد و پایگاه‌های بسیج و مقرهای انتظامی و نظامی، چیزی فراتر از اعتراض مردمی بود و کشور را به مخاطره انداخت.

آقای رئیس جمهور البته پیش از اتفاقات ۱۸ و ۱۹ دی هم تأکید داشتند که زمینه بروز اعتراضات را باید دید. چنان که چند جلسه هم همان اوایل اعتراضات با فعالان اقتصادی و اصناف برگزار کردند و حرف‌ها و مشکلات آنان را شنیدند. آیا اطلاع دارید که بعد از حوادث تلخ ۱۸ و ۱۹ دی هم ایشان چه در جلسات دولت و چه در جلسات با سران قوا همین موضع را داشتند که باید پیش زمینه‌های بروز اعتراضات و ایجاد زمینه برای سوءاستفاده مخالفان و دشمنان را هم تحلیل و بررسی کرد و در مواجهه پسینی با معترضان مد نظر داشت؟

آن اتفاقات واقعیت تلخی است که هنوز هم با آن مواجه هستیم و نباید از آن غافل شویم. به هر حال یک ملت با جمعیت نزدیک به ۹۰ میلیون هستیم. اولاً باید تکثر فکری و سیاسی و اجتماعی و زیستی را بپذیریم. نمی‌توانیم فرمان دهیم همه یک جور زندگی کنند و بیندیشند و عمل کنند. باید در چارچوب منافع و ارزش‌های ملی و دینی خود، زیست اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردم را تعریف کنیم. اگر این چارچوب را محدود به یک تفکر خاص کنیم، قطعاً چالش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی خواهیم داشت. پس از جنبه سیاسی- اجتماعی، باید نگاه وسیع‌تری داشته باشیم که آقای پزشکیان در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایش به این تأکید می‌کند که باید اقوام و افکار مختلف و جریان‌های سیاسی و زیست‌های مختلف اجتماعی را به رسمیت بشناسیم و تقابل با مردم، هیچ گاه راهکار انسجام ملی نیست. هم در جلسات علنی و هم در جلسات غیرعلنی چه در شورای عالی امنیت ملی و چه مذاکراتی که با رهبر شهید داشته‌اند، به این نکته توجه داشته و دارند که من رئیس جمهوری ۹۰ میلیون هستم و باید خواسته‌ها و مطالبات منطقی و مشروع و قانونی مردم را نمایندگی کنم. بخشی از جامعه که در حاکمیت هم هستند، ممکن است این تفکر را نپذیرند اما دکتر پزشکیان تمام تلاشش این است که این وفاق را با آنها شکل دهد تا تکثر و تنوع و رنگین کمان فکری و اجتماعی و سیاسی مردم را بپذیریم. در این صورت ملت واحدی خواهیم بود، همان‌طور که در جنگ ۱۲ روزه و در جنگ رمضان نشان دادیم. آدم‌هایی با پوشش‌های غیرمتعارف ولی پرچم به دست و پرچم به دوش زیر بمباران بودند. در تلویزیون اینها را نشان می‌دادند. عزیزانی که در خارج بودند و به لحاظ سیاسی هم خیلی همراه با برخی سیاست‌های رسمی نبودند، بیانیه‌هایی صادر کردند و همبستگی خود را با مردم نشان دادند. این است که آقای پزشکیان می‌گوید ایران متعلق به همه مردم است.
خیلی از این چهره‌هایی که حتی با مواضع نظام زاویه داشتند هم به حمایت از کشور و مردم برخاستند و تجاوز را محکوم کردند چون پای منافع ملی در میان بود سؤالم این است...
بحث ما همین است که خط قرمز خود را منافع ملی تعریف کنیم. هرکسی در چارچوب منافع ملی و مصالح ملی قدم برمی‌دارد، باید با او آزادانه رفتار کنیم و او باید آزاد باشد. اگر این کار را کنیم، خیلی از شکاف‌ها و تنش‌های اجتماعی و سیاسی ما کاملاً از بین می‌رود.

آیا بعد از چنین واکنش هایی، طرح بحثی نشده است که با اتخاذ سیاست‌هایی زمینه‌ها برای رفع برخی سوءتفاهم‌ها فراهم شود و با تدابیری زمینه بازگشت این چهره‌های سیاسی به کشور مهیا شود؟ چنانکه سیاست دولت هم از ابتدا فراهم کردن زمینه برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور و استفاده از ظرفیت‌های آنان بوده است؟

در این راستا تلاش می‌شود. واقعیت این است که بخشی از آن در اختیار دولت است. ما گفت‌وگو می‌کنیم که بپذیرند. من به شخصه درباره خیلی از جریان‌ها، بسیار گفت‌وگو کرده‌ام. در مواردی نتیجه هم گرفته‌ایم.
به نظر من جنگ رمضان شکاف زخمی که بر پیکره اجتماعی خورده بود را به طور موقت ترمیم کرد. همه به این برگشتند که کیان ایران در معرض خطر است و سینه‌ها را از کینه‌های ناشی از اتفاقات ناگوار بشوییم. این خودش کمک کننده بود و باعث انسجام ملی شد. در جنگ رمضان، میادین ما پر از انسان‌هایی با افکار و اندیشه‌های متفاوت بود. هرچند برخی می‌خواهند آن را به نفع خود مصادره کنند. در حالی که میدان متعلق به آحاد مردم ایران است. بخشی از آنها ممکن است تفکری دیگر به جز این تفکر داشته باشند. ولی آقای دکتر پزشکیان تمام تلاش بر وفاق ملی است و تا حدود زیادی هم موفق شد که این انسجام ملی را شکل دهد. اگر چه در شرایط جنگی مسائل و دغدغه‌های امنیتی پر رنگ می‌شود، ولی تمام تلاش ما در دولت این است که درشرایط جنگی هم برخی ملاحظات زمینه‌ساز تضییع حقوق مردم نشود.

مهم این است که یک سری تصمیم‌ها را به موقع و در جای خودش بگیریم. الان محور اکثر تحلیل هایی که درباره تفاهمنامه و جنگ و صلح گفته می‌شود، ناظر بر این است که این پیروزی‌ها را باید تثبیت کنیم. قاعدتاً مسیر و راه آن هم مذاکره و دیپلماسی است. اینکه در شورای عالی امنیت ملی با یک ترکیب اکثریت قریب به اتفاق «۱۲ نفر از ۱۳ نفر» در بحث امضای تفاهمنامه به جمع‌بندی می‌رسند و رأی می‌دهند را باید در همین راستا ارزیابی کرد. یعنی قوه عاقله نظام معتقد است که باید این پیروزی‌ها نقد و تثبیت شوند؟

دقیقاً همین طور است. به نظرم ما در حال حاضر در اوج قدرت نظامی و ملی خود هستیم. از طرفی قدرت نظامی خود را به اثبات رساندیم و از سوی دیگر انسجام ملی خود را حفظ کرده‌ایم. اقتصاد ما سرپا است و دچار فروپاشی اقتصادی و نظامی نشده‌ایم. بنابراین آقای دکتر پزشکیان با استدلال‌هایی که داشتند و البته رئیس محترم مجلس و شهید لاریجانی در زمانی که بودند و رئیس قوه قضائیه و فرماندهان نظامی با هم همدلند. این مدیون وفاق است. فرماندهان نظامی قانوناً زیر نظر رهبر انقلاب هستند؛ مقام رهبری، فرمانده کل قوا هستند. جنگ و صلح را ایشان (مقام رهبری) باید دستور دهند. ولی شخص آقای پزشکیان رئیس شورای عالی امنیت ملی است. ایشان هستند که باید جمع‌بندی و جلسات را برگزار کنند و نقطه نظرات افراد مختلف را بشنوند و در نهایت به یک اجماع برسانند. این اجماع‌سازی توسط آقای دکتر پزشکیان صورت گرفته است. اتفاقی که در موضوع تفاهمنامه افتاد، به نظر من سند افتخار دیپلماسی ایران و آقای پزشکیان است.

اجازه دهید جمله آقای پزشکیان را بخوانم که توضیح شما کامل‌تر باشد. ایشان در پیام خود تأکید داشتند که «باور دارم این تفاهمنامه مرکز ثقل روابط خارجی ما در آینده خواهد بود.» شما چه تعبیر خاصی از این موضوع دارید؟

اولاً ما با قدرت در مذاکرات منتهی به توافقنامه اسلام آباد حاضر شدیم و توانستیم منافع خود را در تفاهمنامه بگنجانیم. باید ببینید که در این ۱۴ بند، چند بند آمریکا تعهد می‌کند. در بند اول، برای پایان جنگ، آمریکا محور مقاومت را به رسمیت می‌شناسد. یعنی ایران را در جنگ لبنان، ذی مدخل می‌داند. یعنی رئیس جمهوری آمریکا امضا می‌کند که در همه عرصه‌ها از جمله لبنان، جنگ متوقف شود. صحبت‌های اخیر رهبر حزب‌الله مؤید تفاهمنامه است. بند دوم تفاهمنامه که به نظرم فراز مهمی است، می‌گوید ایران و آمریکا متعهد می‌شوند که تمامیت ارضی یکدیگر را به رسمیت بشناسند. یعنی ایران به آمریکا حمله نکند و آمریکا هم به ما حمله نکند. هماوردی را ببینید. در ادامه می‌گوید ایران در امور داخلی آمریکا مداخله نکند و آمریکا نیز در امور داخلی ما مداخله نکند. با کسی تفاهمنامه امضا می‌کنیم که ادعای رهبری و آقایی دنیا را دارد و بالاترین قدرت نظامی را دارد. در کنار امضای رئیس جمهوری ایران، رئیس جمهوری آمریکا متعهد می‌شود که تمامیت ارضی ایران را به رسمیت بشناسد و دیگرحق مداخله ندارد. ایران هم متقابلاً این را اعلام می‌کند. این موضوع که آقای دکتر پزشکیان از آن به عنوان یک نقطه ثقل نام می‌برد، برای این است که با بالاترین قدرت جهان، موضع برابر داریم و در یک سطح گفت‌وگو می‌کنیم . ما یک ملت و کشور هستیم و آمریکا هم با همه قدرتش یک ملت و کشور است و نباید در گفت‌وگو احساس برتری کند. بقیه بندها هم همین است که اکثراً آمریکا متعهد می‌شود. یکی از تعهدات ایران این است که ما هیچ گاه سلاح هسته‌ای نمی‌سازیم. این فتوای رهبر شهید است و لذا ما چیز جدیدی تعهد نداده‌ایم. این تقریباً تنها تعهدی است که ایران داده است و همچنین تردد تنگه هرمز را به قبل از جنگ برگرداند و با سازوکاری که با عمان هماهنگ می‌کنیم، بعداً مدیریت آن را به عهده خواهیم گرفت. آمریکا باید تمام تحریم‌ها به بهانه‌های مختلف را بردارد. بعد از آن تعهد می‌کند که برای بازسازی آسیب‌های ایران، صندوقی با کمک شرکایش به مبلغ ۳۰۰ میلیارد دلار برای توسعه ایران ایجاد کند. این شروع شده بود و حساب‌ها داشت باز می‌شد و آمریکا تحریم‌ها را برداشته بود. به دلایلی که رخ داد، روند متوقف شد. به محض اینکه آمریکا به تعهداتش برگردد و تنگه را با نظر مقام معظم رهبری باز کنیم، به تفاهمنامه برخواهیم گشت. این تفاهمنامه نقطه ثقل روابط خارجی ما با همسایگان و کشورهای اروپایی و آمریکاست. همسایگان ما دیگر قدرت نظامی و موشکی ما را درک کرده و به رسمیت شناخته‌اند. هیچ صحبتی از محدودیت قدرت موشکی ایران در آن تفاهمنامه نبود و نیست. این خیلی مهم است. در حالی که رئیس‌جمهوری آمریکا محدودیت قدرت موشکی و نابودی قدرت هسته‌ای ایران را مطرح می‌کرد. همه اینها به کنار رفت و ایران کشوری شده است که می‌تواند به طور برابر با آمریکا گفت‌وگو کند. اینکه آقای پزشکیان از آن به عنوان نقطه ثقل در سیاست خارجی نام می‌برند، یعنی برابری ایران با ابرقدرت جهان.

به تفاهمنامه و اجماعی اشاره کردید که در شورای عالی امنیت ملی انجام شد. باز اشاره کردید که فرمان جنگ و صلح با رهبر انقلاب اسلامی است. با این وصف اقلیت مخالف مذاکره و تفاهمنامه چرا رئیس جمهوری و قالیباف و عراقچی را مخاطب نقدها و گاهاً تخریب‌های خود قرار می‌دهند؟ شما چه درک و تفسیری از موضع آنان دارید؟

وقتی صحبت از جنگ می‌کنند، باید مشخص شود جنگ تا کجاست؟ بالاخره پایان هر جنگی، مذاکره است. مگر ما بعد از هشت سال با صدام مذاکره نکردیم؟ مگر نمی‌گفتیم صدام یزید کافر؟ امام درباره عربستان چه تعابیری به کار برد؟ گفت ما اگر از صدام بگذریم از آل سعود نمی‌گذریم. روابط بین‌الملل، صفر وصد نیست. متأسفانه صداوسیما هم در دامن زدن به این فضا مؤثر است. به نظرم دفاع، مقدس است اما جنگ خوب نیست. اگر حمله کردند باید تا پای جان دفاع کنیم و پاسخ بدهیم. هزاران سال است که می‌گوییم «چو ایران نباشد تن من مباد، بدین بوم و بر زنده یک تن مباد». با این حال ما جنگ‌طلب نیستیم. برخی فکر می‌کنند باید آمریکا را فتح کنیم. آیا فرماندهان نظامی هم این ایده را قبول دارند؟ مگر وطن پرست‌تر از آقای عبداللهی یا آقای سرلشکر حاتمی و وحیدی و دیگر عزیزان شعام سراغ دارند؟ آقای قالیباف سال‌ها در جبهه بوده و آقای عراقچی بسیجی بوده است. خود ما همه بسیجی و در جنگ بوده‌ایم. آقای دکتر پزشکیان اکثر عملیات‌ها را در لشکر عاشورا بود. ما از جنگ نمی‌ترسیم. ولی عوارض جنگ را با پوست و گوشت و استخوان لمس کرده‌ایم. ما پرپر شدن دوستانمان را دیده‌ایم. ما شهادت رهبر خود و فرماندهانمان را دیدیم. ما شهادت پاکپور و سلامی و حاجی‌زاده و موسوی را دیدیم. حیف شد که این عزیزان را از دست دادیم.
در عین حال، ما دشمن خود را شکست دادیم. نگذاشتیم به اهداف خود برسد و الان به دنبال تأمین منافع خود و تثبیت آن پیروزی‌ها و دستاوردها هستیم. آن‌هایی که دم از ادامه جنگ می‌زنند، برای ما مشخص نیست که تا کجا می‌خواهند بجنگند؟ آیا جنگ منافع ما را تأمین می‌کند؟ اگر چنین بود، رهبری اجازه آتش‌بس نمی‌دادند. هم رهبری هم دکتر پزشکیان و هم فرماندهان نظامی وطن خود را دوست دارند. بنابر این بهتر است موضوع پایان جنگ و تفاهمنامه را به رهبری و سازوکارهای تعبیه شده قانونی برای تصمیم‌گیری موکول کنند.

> آن‌هایی که دم از ادامه جنگ می‌زنند، برای ما مشخص نیست که تا کجا می‌خواهند بجنگند؟ آیا جنگ منافع ما را تأمین می‌کند؟ اگر چنین بود، رهبری اجازه آتش‌بس نمی‌دادند. هم رهبری هم دکتر پزشکیان و هم فرماندهان نظامی وطن خود را دوست دارند. بنابر این بهتر است موضوع پایان جنگ و تفاهمنامه را به رهبری و سازوکارهای تعبیه شده قانونی برای تصمیم‌گیری موکول کنند

اختلاف نظرها درباره تفاهمنامه و مذاکره از حدومرزهای انتقاد گذشت و بخصوص در روزهای اخیر به طرح ادعاهایی درباره استعفای رئیس جمهوری و اختلاف افکنی میان مسئولان کشور و... کشیده شده است. فکر می‌کنید ممکن است بخشی از این خبرسازی‌ها و مخالفت‌ها ناظر بر تسویه حساب‌های سیاسی و جناحی باشد؟

۱۲ نفر از اعضای محترم شعام به امضای تفاهمنامه رأی مثبت داده‌اند و یک نفر رأی منفی. اما صدای طیف وابسته یا نزدیک به همان یک نفر از همه بلندتر است. این نشان می‌دهد که مواضع این طیف چندان با حاکمیت، هارمونی ندارد. این مواضع با آن مواضع فرماندهان نظامی ما که منسوب رهبری هستند همخوان نیست. دکتر پزشکیان به اذن رهبری تفاهمنامه را امضا کرده است. مگر می‌شود چیزی را به مقام معظم رهبری تحمیل کرد؟ دیدیم که دفتر رهبر معظم انقلاب آن ادعای نادرست درباره استعفای رئیس‌جمهوری که انسجام ملی ما را هدف گرفته بود، تکذیب کردند. اینها راه به جایی نخواهند برد. اکثریت مردم ایران، مدافع دفاع جانانه از کشور هستند و نه جنگ.

با توجه به مذاکراتی که در جریان است، اگر این تفاهمنامه به شکلی احیا شود و در چارچوب مکانیزم‌های تصمیم‌سازی موجود در جمهوری اسلامی باشد، تصور می‌کنید که آقای دکتر پزشکیان همچنان محکم در برابر این مخالفت‌ها خواهند ایستاد؟

قطعاً همینطور است. تفاهمنامه، منافع ملی را حفظ می‌کند. اگر به تفاهم برسیم و درباره تنگه هرمز به این جمع‌بندی برسیم که آن را باز کنیم، آمریکا قطعاً تمکین خواهد کرد. همان‌طور که یکی از عزیزان نظامی اعلام کرد که اگر آمریکا حسن نیت خود را نشان دهد، ما به تفاهمنامه بر خواهیم گشت. تفاهمنامه، منافع ملی را تضمین می‌کند. تفاهمنامه چیزی است که برای ایران در عرصه بین‌المللی عزت‌آفرینی کرده است و در عرصه داخلی هم امیدواریم با بهره‌برداری درست از این تفاهمنامه و اجرای دقیق آن، آسایش و رفاه و صلح را برای مردم به ارمغان بیاوریم. تمام تلاش آقای دکتر پزشکیان همین است که این تفاهمنامه را اجرا کنند. اصلاً تعهد دادند و امضا کردند که متعهد به اجرای این تفاهمنامه هستم. بدعهدی آمریکا را باید مهار کرد. باید با ترفندهای طرف مقابل مقابله کنیم. باید دیپلماسی جواب دیپلماسی را بدهد. هروقت هم نیاز بود، از قدرت نظامی خود استفاده کنیم. دکتر پزشکیان معتقد است که با گفت‌وگو و استفاده از ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای می‌توانیم آمریکا را مهار کنیم.

• برش •

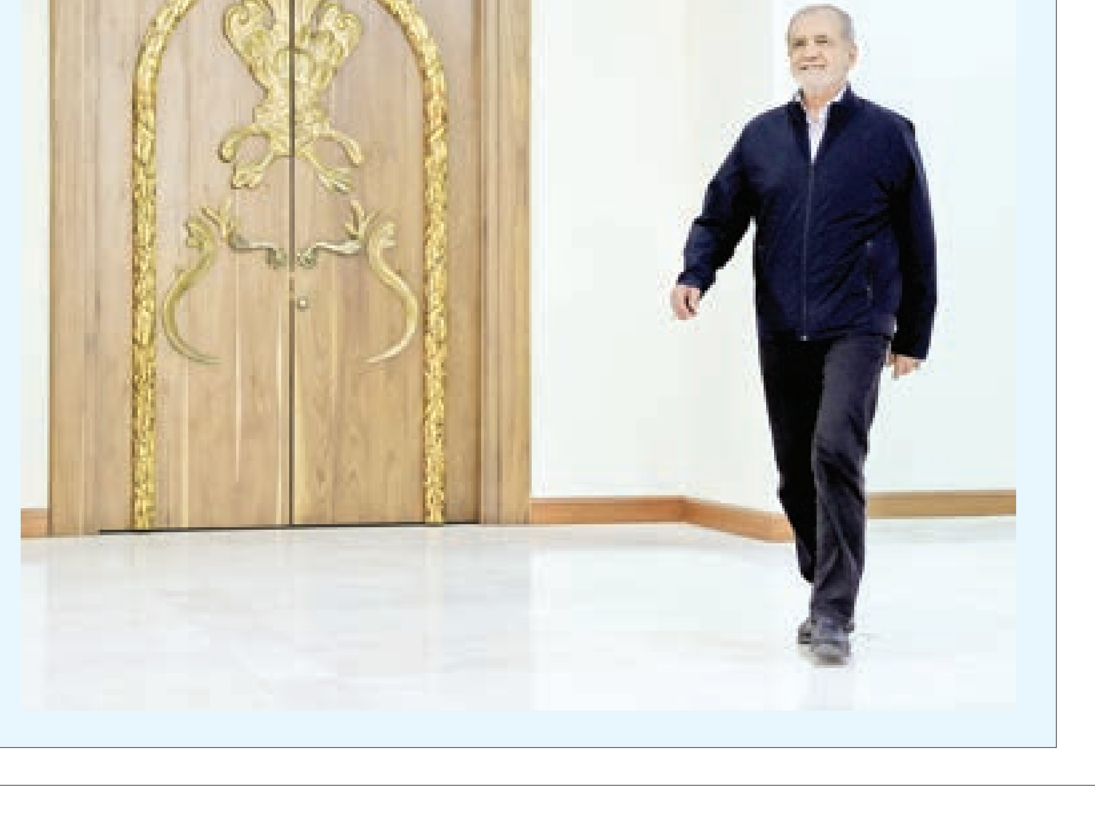

اشاره کردید که آقای پزشکیان بعد از شروع جنگ برای تأمین مایحتاج مردم، کمک به نیروهای مسلح و حفظ انسجام ملی تلاش کردند و همزمان در تکاپو بودند که با حفظ اقتدار کشور، دامنه و زمان جنگ هم گسترده و طولانی نشود. آیا همین تلاش‌ها در نهایت منجر به امضای تفاهمنامه بین رئیس جمهوری ایران و آمریکا شد که در نوع خود بی‌سابقه بود؟

واقعیت این است که قبل از اینکه رهبر عزیز ما شهید شود، دکتر پزشکیان ارتباط تنگاتنگی با ایشان داشت. برخی اوقات یک روز در هفته حتماً خدمت ایشان می‌رفتند و با ایشان مذاکره می‌کردند. حتی گاهی دو بار در هفته خدمت رهبری می‌رفتند و با هم گفت‌وگو می‌کردند. ایشان یک پشتوانه قوی برای حل مشکلات دولت بودند. خیلی وقت‌ها کمک می‌کردند. اگر مشکلی در زمینه اقتصادی و کمبود ارز داشتیم، با نامه شخص آقای دکتر پزشکیان، از صندوق ارزی اجازه برداشت می‌دادند. موارد متعدد دیگری وجود داشت که به دکتر پزشکیان تفویض اختیار یا حتی توصیه می‌کردند. حتی جایی سراغ دارم که درباره یک موضوع نظامی گفته بودند که هرچه آقای پزشکیان بگویند. چون باهم هماهنگ بودند و مطمئن بودند که دکتر پزشکیان در این چارچوب عمل می‌کند.
در رابطه با جنگ، واقعیت این است که اجرای امور کشور با رئیس جمهوری است. از خزانه و منابع ارزی اطلاع دارد، از میزان ذخیره استراتژیک غذایی و دارویی اطلاع دارد. از میزان واردات و صادرات نفت و پتروشیمی مطلع است. ممکن است هر وزارتخانه‌ای اطلاعات خود را داشته باشد. ولی رئیس جمهوری همه اینها را یکجا دارد، پس مسئول اداره کشور است. اداره کشور از نظر اجرایی با رئیس جمهوری است. قطعاً دغدغه‌ها و آینده و چشم‌انداز یک ماهه و دو ماهه و چند سال آینده را بهتر می‌بیند. در چنین شرایط سختی با تبعات مشخص اقتصادی، رئیس جمهوری تأکید داشتند که باید عزت خودمان را هم حفظ کنیم .
قبل از جنگ هم البته تورم ۴۰-۳۰ درصدی داشتیم که بعد از جنگ بیشتر شد. در همه جنگ‌ها تورم بالا می‌رود. در جنگ روسیه و اوکراین حتی تورم جهانی داشتیم. جنگ به این عظمت که اثر شدیدی روی اقتصاد جهان داشت، طبیعی بود که روی اقتصادخودمان هم اثر منفی داشته باشد.
با این نگاه، آقای پزشکیان یک بار ملاقاتی با رهبر فعلی انقلاب داشتند و مشکلات و شرایط کشور را تبیین کرده بودند. در نهایت چه بعد از جنگ ۱۲ روزه و چه بعد از جنگ رمضان، ما دفاع را حق مشروع خود می‌دانیم و جلوی هیچ قلدر و زورگویی از جمله آمریکا سر خم نمی‌کنیم و تسلیم نمی‌شویم. خیلی از استانداری‌ها و مردم و نهادهای دولتی، تمام تلاش‌شان این بود که از لحاظ پشتیبانی لجستیک، تغذیه و خودرو و سوخت، کمبودی برای نیروهای مسلح بوجود نیاید. موفق شدیم تا کمک خوبی به پایداری و تاب‌آوری نیروهای مسلح داشته باشیم و علاوه بر آن، قدرت حمله و آفندی آنها را در حدی که مربوط به دولت باشد کمک کردیم تقویت شود.
یکی دیگر از وظایف ما این بود که در طول جنگ، دولت بتواند مردم را در صحنه نگه دارد و فشار اجتماعی و بخصوص معیشتی به مردم نیاید که البته موفق هم بودیم. ولی باتوجه به جمیع جهات، طبیعی است که دکتر پزشکیان این روحیه را دارند که با مذاکره و گفت‌وگو و همزمان با حفظ اقتدار ملی بتوانیم به صلح و تفاهم پایدار برسیم.
الان تقریباً دشمن را شکست داده‌ایم و توانسته‌ایم کاری کنیم که هیچ کدام از اهداف دشمن محقق نشود. دشمنی که صحبت از نابودی ایران و برگرداندن ایران به عصر حجر و تغییر رژیم و نابودی و اشغال و تجزیه ایران می‌کرد، به هیچ کدام از اهدافش نرسید و این یعنی پیروزی. چرا ما می‌گوییم در جنگ هشت ساله پیروز شده‌ایم؟ ما که صدام را از بین نبردیم. همین که یک متر از خاک کشور خود را به عراق ندادیم، یعنی پیروزی. این است که جمهوری اسلامی کماکان در مقابل دشمن ایستاده است و تنگه هرمز را توانستیم ببندیم، حمل‌ونقل انرژی جهان را به دلیل اهمیتی که داشت، مختل کردیم و به همه پایگاه‌های آمریکا در منطقه حمله کردیم. اینها نشان از این است که دفاع خوبی کردیم و دشمن به هیچ کدام از اهدافش دست نیافت. چه در حمله نظامی و چه در داخل که اغتشاش ایجاد کرد تا به انسجام ملی ما ضربه بزند اما موفق نشد؛ این پیروزی است.

• یادداشت •

«وفاق» در مسیر اصلاح سیاست‌های حکمرانی

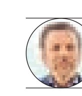
محمود واعظی
رئیس دفتر رئیس جمهور در دولت دوازدهم

دولت چهاردهم در شرایطی مسئولیت اداره کشور را بر عهده گرفت که کشور و منطقه در شرایط امنیتی و جنگی قرار گرفت. مسائل امنیتی، فشارهای اقتصادی، تحولات منطقه‌ای، جنگ و پیچیده‌تر شدن مناسبات بین‌المللی، فضای تصمیم‌گیری را از یک دوره عادی به دوره‌ای حساس و پرهزینه تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، قضاوت درباره عملکرد دولت نیازمند انصاف و واقع‌بینی است. تجربه کشورهایی مانند ژاپن پس از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که در دوره‌های دشوار، دولت‌ها ناگزیرند میان اهداف بلندمدت و محدودیت‌های فوری تعادل برقرار کنند. ژاپن در سال‌های پس از جنگ، به جای آنکه همه اصلاحات و اهداف توسعه‌ای خود را یک‌باره دنبال کند، اولویت‌های خود را با شرایط موجود هماهنگ کرد و به تدریج ظرفیت اقتصادی، اجتماعی و نهادی کشور را در مسیر سازندگی بازسازی کرد. البته تجربیات این چنینی عیناً قابل انتقال به ایران عزیز نیست، اما یک اصل مهم را یادآوری می‌کند: «در شرایط غیرعادی، موفقیت حکمرانی تنها به درستی تصمیم‌ها وابسته نیست، بلکه به زمان‌بندی، ترتیب اولویت‌ها و توانایی جامعه برای همراهی با آنها نیز بستگی دارد.»
دولت چهاردهم در مدت تصدی ۲ ساله خود تلاش کرده است امور اجرایی کشور را در چنین فضایی پیش ببرد و با لحاظ کلیه شرایط، توفیق قابل قبولی داشته است. با این حال، میان تلاش و نتیجه، فاصله‌ای وجود دارد که باید آن را جدی گرفت. در نهایت، مردم عملکرد دولت را نه با میزان دشواری کار مدیران، بلکه با اثری که تصمیمات دولتمردان بر زندگی و معیشت اجتماعی می‌گذارد، ارزیابی می‌کنند. این واقعیتی است که هیچ دولت مردم سالاری نمی‌تواند از آن چشم بپوشد. در چنین شرایطی، یکی از مسائل مهم دولت، ارزیابی عملکرد مدیران در دوسال گذشته است. وفاق نباید به معنای حفظ مدیرانی باشد که توانایی اجرای سیاست‌های دولت را ندارند. «وفاق»، آن زمان معنا می‌یابد که در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، ظرفیت‌های مختلف کشور را برای حل مسائل مشترک کنار یکدیگر قرار دهد. اگر مدیری فرصت کافی داشته اما نتوانسته است مسئولیت خود را به نتیجه برساند، یا در مسیر سیاست‌های رسمی دولت حرکت نمی‌کند، ادامه حضور او نمی‌تواند صرفاً با عنوان وفاق توجیه شود. دولت باید در این زمینه شجاعانه و در عین حال منصفانه عمل نماید.
تغییر مدیران نباید به تسویه حساب سیاسی مبدل و وابستگی جناحی جایگزین شایستگی شود. ضروری است تا معیار توانایی، تجربه، پاکدستی، پاسخگویی و قدرت اجرا ملاک تصمیم دولت باشد. این همان نقطه‌ای است که اعتدال معنای واقعی خود را پیدا می‌کند؛ نه حذف افراد به دلیل اختلاف نظر و نه حفظ افراد به دلیل ملاحظات سیاسی، بلکه معیار، کارآمدی و عملکرد مدیران است. آنچه باید تعیین‌کننده باشد، منافع عمومی، کارآمدی نظام اجرایی کشور و افزایش رضایت مردم است.
وفاق در سطح ملی نیز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. ایران در شرایطی قرار گرفته که نباید اختلافات سیاسی به شکاف اجتماعی تبدیل شود. جامعه ممکن است دیدگاه‌های متفاوت داشته باشد و این تفاوت طبیعی است. مسأله اصلی آن است که اختلافات در چارچوب قانون و گفت‌وگو مدیریت شوند و به دشمنی و گسست اجتماعی نینجامند. هر اندازه جامعه منسجم‌تر باشد، کشور در برابر فشارهای خارجی نیز توان بیشتری خواهد داشت. این موضوع با سیاست خارجی کشور نیز ارتباط مستقیم دارد؛ قدرت یک کشور فقط در ابزارهای اقتصادی، نظامی یا سیاسی آن خلاصه نمی‌شود. اعتماد مردم به تصمیمات ملی و میزان انسجام داخلی نیز بخشی حائز اهمیت از قدرت کشور است. دیپلماسی زمانی می‌تواند با قدرت بیشتری عمل کند که طرف مقابل بداند کشور از پشتوانه اجتماعی و اراده ملی برخوردار است. از این منظر، وفاق و اعتدال صرفاً مفاهیم مرتبط به سیاست داخلی نیستند، بلکه می‌توانند به افزایش قدرت ملی در عرصه خارجی کمک کنند. در حوزه اقتصاد نیز ضروری است دولت میان ضرورت «اصلاح» و «زمان مناسب اصلاح» تفاوت قائل شود. ممکن است یک تصمیم اقتصادی از نظر کارشناسی صحیح و مطلوب باشد، اما زمان اجرای آن مناسب نباشد. هر سیاستی که مستقیماً بر زندگی مردم اثر می‌گذارد، علاوه بر محاسبات اقتصادی، به ملاحظات اجتماعی و روانی نیز نیاز دارد. تصمیم درست اگر در زمان نادرست و بدون پیوست اجتماعی و آماده‌سازی جامعه اجرا شود، ممکن است نتیجه‌ای متفاوت از هدف اولیه داشته باشد.
دولت نباید از اصلاحات اقتصادی ضروری فاصله بگیرد، اما باید از تصمیماتی که فشار آنها بلافاصله بر زندگی مردم ظاهر می‌شود و منافع آنها در آینده‌ای نامعلوم قرار دارد نیز با احتیاط عبور کند. اعتدال اقتصادی یعنی پذیرفتن ضرورت اصلاح، بدون نادیده گرفتن توان جامعه برای تحمل هزینه‌های آن. حق مردم است که بدانند چرا یک تصمیم گرفته می‌شود، چه هزینه‌ای خواهد داشت و در نهایت چه منفعتی برای آنان ایجاد خواهد کرد. اعتماد عمومی نیز از همین مسیر بازسازی می‌شود. مردم بیش از آنکه به سخنان رسمی توجه کنند، نتیجه تصمیمات را در زندگی روزمره خود می‌بینند. ثبات اقتصادی، پاسخگویی مدیران، پرهیز از تصمیمات ناگهانی و احساس اینکه دولت مشکلات واقعی مردم را می‌فهمد، پایه‌های اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کند. وفاق نباید به سکوت منتقدان تعبیر شود و نباید مدیران را از پاسخگویی معاف کند. وفاق یعنی اختلافات سیاسی در مسیر قانون و گفت‌وگو باقی بماند و ظرفیت کشور صرف حل مشکلات مردم شود. اگر دولت بتواند میان اصلاح و ملاحظه، اقتدار و گفت‌وگو، ضرورت اقتصادی و توان اجتماعی تعادل ایجاد کند، وفاق از یک شعار سیاسی فراتر خواهد رفت و به یک شیوه حکمرانی تبدیل خواهد شد. در این نگاه، اعتدال به معنای ایستادن در نقطه‌ای میان دو جریان سیاسی نیست. اعتدال یعنی در تصمیمات بزرگ، نه اسیر هیجان شد و نه گرفتار ترس از اصلاح. یعنی منافع ملی را دید، شرایط جامعه را فهمید و در زمان مناسب تصمیم گرفت. کشوری که با دشواری‌های بزرگ روبه‌روست، بیش از اختلاف به عقلانیت، بیش از شعار به نتیجه و بیش از تقابل به همراهی نیاز دارد. راه عبور از این شرایط، نه کنار گذاشتن تغییر است و نه تحمیل آنها بر جامعه. طریق صحیح، اصلاح مسئولانه، تصمیم سنجیده و حفظ سرمایه‌ای است که از همه چیز مهم‌تر است و اصلاح سیاستهای حکمرانی و اجرای برنامه‌ها باید با هدف افزایش «رضایت» و «اعتماد مردم به آینده کشور» باشد.
در این مسیر، همه جریان‌ها و جناح‌های سیاسی موظف‌اند در کنش‌ها و حتی نقدهای خود به‌گونه‌ای عمل کنند که اختلاف‌نظرها به قطبی‌سازی، گسست اجتماعی و تضعیف سرمایه ملی منجر نشود، بلکه در خدمت اصلاح امور، افزایش کارآمدی و تقویت همبستگی قرار گیرد. عبور از شرایط دشوار پیش‌رو، بیش از هر زمان نیازمند ترجیح منافع ملی بر منازعات جناحی و تقویت اعتماد و امید عمومی است. دولت نیز با وجود توفیقات و اقدامات قابل توجه طی دو سال گذشته، بویژه در مدیریت شرایط دشوار جنگ تحمیلی دوازده‌روزه و مسائل مرتبط با دفاع مقدس رمضان، ضروری است با جدیت و سرعت بیشتری برای ایجاد گشایش‌های ملموس در اقتصاد و معیشت مردم، مهار فشارهای زندگی و بهبود وضعیت سفره خانوارها تلاش کند. چرا که انسجام و اعتماد ملی صرفاً با سخن و توصیه شکل نمی‌گیرد؛ مردم باید آثار آن را در زندگی روزمره خود لمس کنند. ایجاد گشایش اقتصادی و تقویت امید به آینده، از مهم‌ترین الزامات تحکیم سرمایه اجتماعی و پشتوانه‌ای برای عبور کشور از شرایط پیچیده پیش‌رو است. امروز، تقویت انسجام و وحدت ملی، ضرورتی راهبردی برای اتمام پیروزمندانه جنگ و حل معضلات داخلی و خارجی و شرط عبور موفق از معادلات پیچیده و صیانت از منافع و مصالح ملی است.

> همه جریان‌ها و جناح‌های سیاسی موظف‌اند در کنش‌ها و حتی نقدهای خود به‌گونه‌ای عمل کنند که اختلاف‌نظرها به قطبی‌سازی، گسست اجتماعی و تضعیف سرمایه ملی منجر نشود، بلکه در خدمت اصلاح امور، افزایش کارآمدی و تقویت همبستگی قرار گیرد

پایداری
پرونده عملکرد دو ساله رئیس جمهوری
ایران
دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ ۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۸
سال سی و دوم شماره ۹۱۰۵
Monday 24 August 2026 Vol 9105
irannewspaper irannewspaper